

بررسی پدیدارشناختی حجاب زنان از منظر گردشگران خارجی (مورد مطالعه: مدرسه علمیه ناصریه اصفهان)^۱

کریم خانمحمدی^۲

الهه دهقانی^۳

چکیده

گونه‌ی جامه و پوشش، از نشانه‌های برجسته‌ی فرهنگی است. پوشیدن حجاب گونه‌ای کنش اجتماعی شمرده شده که نشان‌دهنده‌ی اندیشه‌ها و باورهای زنان مذهبی است و همواره مورد نگرش غیرمسلمانان، به‌ویژه گردشگران خارجی بوده است؛ از آنجایی که زنان گردشگر در بدو ورود به ایران با پدیده‌ی نوینی به نام «حجاب»، روبرو می‌شوند که بایسته به پاسداشت آن هستند؛ پژوهش در این زمینه و بررسی دیدگاه‌های آنها، شایسته است. به همین منظور پژوهشگر، به سبب جاذبه‌های گردشگری اصفهان، از جمله مسجد امام و در کنار آن «مدرسه‌ی علمیه‌ی ناصریه» و همچنین تکاپوی تبلیغی این مدرسه که سبب شده روزانه صدها گردشگر از این جایگاه بازدید کنند، به پژوهش پیرامون پدیده‌ی حجاب از نگرش گردشگران خارجی، در این نشانگاه پرداخته است. این پژوهش بر پایه‌ی رویکرد «پدیدار شناختی» و با بهره‌گیری از روش «تحلیل مضمون» انجام یافته و از فنون مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد، بهره برده است. برآیند به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، حجاب از نگرش گردشگران خارجی، در بردارنده‌ی باورداشت‌هایی همچون: «تبعیض جنسیتی»، «سلب اختیار»، «مانع ابراز وجود» «مردسالار»، «ایدئولوژیک»، «مشقت‌بار»، «سنتی»، «متمایز از عفاف» و «مانع آزادی» است. گردایش نگرها نشان می‌دهد که بار معنایی حجاب در کارآزمایی زیسته‌ی آنها «محدودیت منفی» است؛ بنابراین هرگونه سیاست‌گذاری در گسترش حجاب باید بر پایه‌ی دگرگونی نگرش باشد.

واژه‌های کلیدی: حجاب، زنان، گردشگران خارجی، پدیدارشناسی، مدرسه‌ی ناصریه

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰

۲. عضو هیات علمی گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع): khammohammadi49@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات؛ dehghan.ds.nh@gmail.com

مقدمه

یکی از پرسمان‌های برجسته و چالش‌برانگیز در جهان کنونی «حجاب» زنان است. حجاب نه تنها در ایران؛ بلکه در جهان از پرسمان‌های است که گاه‌به‌گاه در اخبار جهانی بازتاب داده می‌شود. حجاب تنها یک آموزه دینی مانند نماز و روزه نیست که جنبه‌ی فردی داشته باشد؛ بلکه جنبه‌ی اجتماعی داشته و بعد هویتی پیدا کرده است. امروزه حجاب یکی از نمادهای برجسته‌ی تقابل دین‌داری و هویت شرقی با سکولاریسم غربی است.

در ارزشمندی پرسمان حجاب همین بس که فوکویاما، نظریه‌پرداز شهیر آمریکایی، در کتاب واپسینش به نام «هویت» که در سال ۲۰۱۸ به چاپ رسید، با اذعان به اینکه پرسمان حجاب در جهان تنها یک پرسمان مذهبی نیست؛ بلکه امروز بیشتر جنبه‌ی هویتی پیدا کرده و نماد رویارویی غرب با جهان اسلام شمره می‌شود، می‌نویسد: «پس از یک دوره‌ی طولانی که برای افراد تحصیل‌کرده‌ی خاورمیانه، برگرفته از آداب و رسوم و لباس‌های مراسم غربی، عملی مد روز به حساب می‌آمد، شمار بسیاری از زنان مسلمان جوان در مصر، ترکیه، اردن و دیگر کشورهای خاورمیانه، گذاشتن حجاب و روسری را آغاز کردند، برخی حتی اشکال محدودکننده‌تری از لباس زنان برای خود برگزیدند. به‌راستی بسیاری از این زنان، مسلمانانی مؤمن هستند؛ اما برخی دیگر از آغاز مذهبی نیستند. به‌گونه‌ای حجاب، نشانه‌ی هویت است و نشانگر این است که آنها به فرهنگ خود افتخار می‌کنند» (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۹۶).

حجاب زنان نه تنها در درون ایران یک پرسمان چالش‌برانگیز است؛ بلکه در میدان جهانی از ارزش استراتژیک و نمادین برخوردار است؛ بنابراین شناخت ابعاد آن، به‌ویژه شیوه‌ی پژوهش آن در اندیشه‌ی کنشگران خارجی از ارزش دوجندانی برخوردار خواهد شد. بهنجار است هر گروه یا جریانی که از شناخت و دانش بیشتری بهره‌مند باشد، در رویارویی فرهنگی کامیاب‌تر عمل می‌کند؛ زیرا از دیرباز گفته‌اند، دانش قدرت است. علی علیه السلام می‌فرمایند: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۱۹).

مقام معظم رهبری در دهه‌ی گذشته بیش از چهارده مرتبه به حدیث بالا اشاره کرده‌اند و در یکی از نکات در شرح حدیث می‌فرمایند: «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هر کسی که آن را داشته باشد «صال»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هر کس که آن را نداشته باشد «صیلِ عَلَیْهِ»، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد، یعنی زیردست خواهد شد؛ این علم [است]. امروز شما این را تماشا می‌کنید؛ آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها برای علمی که اندوخته‌اند، توانسته‌اند همه‌ی دنیا را تصرف کنند. شما می‌دانید آمریکا، انگلیس، فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی سال‌های پیاپی، برخی‌شان قرن‌ها، توانستند کشورهای را تصرف کنند، هستی‌های آنها را به باد بدهند و نابودشان کنند؛ بر ملت‌ها اقتدار پیدا کردند و چیره شدند، برای علم؛ دنبال علم بودند»

(خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۷/۲۶: سایت رهبری).

اگر پرسمان حجاب یک پرسمان جهانی و برجسته است و پژوهش درباره‌ی آن برجسته‌تر، پرسش این است، زمانی که گردشگران خارجی به ایران سفر می‌کنند و به اجبار، قانون ایرانی حجاب ایرانی را می‌آزمایند، در کارآزمایی زیسته‌ی خویش چه ادراکی بسته به حجاب ایرانی - اسلامی پیدا می‌کنند؟ به گفته‌ی روشن‌تر، حجاب در کارآزمایی زیسته‌ی کنشگران خارجی حاضر در مسجد مدرسه‌ی نصریه‌ی اصفهان چه معنایی دارد؟ برای آنها چه ابعادی از حجاب نمودار می‌شود؟ بهنجار است با نگرش به اینکه فضای پیرامونی «مسجد مدرسه» همچون نماد اسلام شیعی در گونه‌ی نگاه کارایی دارد و یادآور توأمان «فرهنگ ایرانی» و «مذهب شیعی» است، بررسی پدیده در چنین زیستگاهی به اتقان پژوهش کمک می‌کند.

پیشینه تحقیق

پیش‌ازاین، به‌گونه‌ی غیرمستقیم، در زمینه‌ی حجاب و گردشگران خارجی، پژوهش‌هایی انجام گرفته؛ اگرچه پژوهشی با رویکرد پدیدارشناسی در نشانگاه پژوهش انجام نگرفته است. این پژوهش از حیث روش و نکات پژوهش از نوآوری برخوردار است.

- سارا معصوم‌زاده و مهدی شیرافکن به «کارایی شاخص‌های فرهنگی کشورهای خاورمیانه بر روند گردشگری» پرداخته‌اند که در فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه در پاییز ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. در این پژوهش از روش گشتاور تعمیم‌یافته بهره گرفته شده و برآیند آن چنین است که شاخص‌های فرهنگی، مذهب و زبان مشترک بر گردشگری اثر مثبت و معنی‌دار دارند؛ ولی حجاب و پوشش اسلامی به میزان ۰/۷۱ در کاهش ورود گردشگر کارایی داشته است و معناداری اثر این متغیر در سطح پنج درصد بوده است. نویسنده باور دارد که باید در اماکن دینی و گردشگری تبلیغات سازنده‌ای در این زمینه انجام گیرد تا پوشش اجباری بازدیدکننده‌ی ورود گردشگر به کشورهای اسلامی نگردد.

- نجمه مالکی بروجنی «نسبت حجاب و حقوق بشر و شهروندی» را بررسی کرده است، در این اثر نویسنده بیان می‌کند که دین نه تنها حقوق انسانی را به رسمیت می‌شناسد؛ بلکه غایت تشریح دین، احیای حقوق بشر است. در نظام اسلامی اعمال حقوق تا جایی است که با موازین و بنیان‌های اسلامی در تعارض نباشد. لازمه‌ی شهروندی، تابعیت از حکومت است، پس عدم پاسداشت حجاب، مغایر حقوق شهروندی شمرده می‌شود؛ زیرا محل نظم عمومی است که آن را شالوده‌ی حقوق شهروندی می‌دانند. این اثر در دو فصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر اسلامی چاپ شده است.

- فاطمه فلاح نفتی در نوشتار «پژوهشی فقهی - حقوقی در الزام حکومتی بر حجاب زنان جهانگرد» که در سال ۱۳۹۶، در مجله‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی به چاپ رسید، حجاب گردشگران را از دیدگاه فقهی مورد بحث قرار داده است. وی با روش تحلیلی، ادله‌ی فقهی حقوقی الزام دولت به حجاب



گردشگران را بررسی می‌کند. در این اثر نشان می‌دهد که ادله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، ناظر به کارایی مقتضیات زمان و مکان بر حکم حرمت تظاهر به منکرات می‌تواند همچون بنیان فقهی الزام غیرمسلمانان اعم از ساکن و جهانگرد شمرده شود و بیانگر مسئولیت دولت اسلامی است. افزون بر آنکه از نگرگاه حقوقی، حکم مستفاد از قانون هر کشور جهانگردان را موظف به عمل بر پایه‌ی آن کرده و چنانچه با عدم عمل به آن، سوگندنامه‌ی خود را شکسته و در صورت ورود به کشور، حکومت حق الزام وی را دارد.

بایسته به یادآوری است؛ در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، به بررسی پدیدارشناختی پدیده‌ی حجاب از دیدگاه گردشگران خارجی پرداخته نشده است.

روش تحقیق

رویکرد پژوهشی در این نوشتار پدیدارشناسی (phenomenology) است. در مکتب پدیدارشناسی، اشیاء نه «آن‌گونه که هستند»؛ بلکه «آن‌گونه که بر ما نمایان می‌شوند» مورد پژوهش قرار می‌گیرند (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۰۶). پدیدارشناسی از دیدگاه لغوی عبارت از پژوهش پدیده‌ها از هر گونه و توصیف آنها با در نگریستن شیوه‌ی بروز و تجلی آنها، پیش از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل یا قضاوت ارزشی است. پدیدارشناسی گستره‌ی معنایی فراخی دارد. در رویه‌های نازل، به ستایش صرفِ پسرمانِ معین از راه شعور بی‌واسطه (direct awareness) اطلاق می‌شود؛ اما در رویه‌های فراتر تلاش می‌کند، از ظواهر گذر نموده و به باطن دست یابد (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۶: ۳۳۸).

انگاره‌ی این رویکرد این است که جهان خارج مستقل از آگاهی وجود دارد؛ اما این نگرش بهنجار باید در «پراتز» قرار بگیرد و اشیا آن‌گونه که در اذهان بینندگان نقش می‌بندد، مورد پژوهش قرار گیرد. پنداره‌ی اپوخه (پراتز) در مکاتب پدیدارشناسی بدین معناست که نه خود «شیء»؛ بلکه چیستی آن در اندیشه، بررسی می‌شود. بهنجار است برحسب «افق»، معنا متکثر می‌شود؛ ولی پدیدارشناس تلاش می‌کند، جنبه فردی آگاهی را کنار گذاشته و به آنها به‌مانند ایدوس (Eidos) یا ماهیت نگاه کند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

پدیدارشناسی از پایه، بررسی «تجربه زیسته» یا «جهان زندگی» است و می‌کوشد معانی پدیده را آن‌چنان‌که در زندگی روزمره زیسته می‌شود، آشکار سازد. برآیند اینکه در این روش، انگیزه‌ی بنیادین از انجام یک توصیف جامع از پدیده‌ی آزموده شده، دستیابی به درک ساختار گوهری آن است و نمایاندن یک پنداره‌ی تفسیری از درک پدیده، بیش از توصیف آن درنگر آورده است (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۸).

همچنان‌که نگریسته می‌شود، پدیدارشناس برای بررسی «تجربه زیسته» افراد از یک پدیده، باید دو گام بنیادین را بپیماید. نخست اینکه پدیده در اندیشه‌ی افراد تجربه‌کننده چگونه بازتاب یافته است؟ دوم



اینکه با زدودن افق و درنگریستن مشترکات، «ماهیت» پدیده‌ی مورد بررسی چیست؟ گام نخست به فرآوری داده و جمع‌آوری دروندادها و گام دوم به واکاوی داده‌ها وابسته است که به گزارش کوتاه آنها می‌پردازیم.

الف) جمع‌آوری داده‌ها: نگارنده برای گذر از گام نخست در بررسی پدیدارشناختی «حجاب» در تجربه زیسته گردشگران خارجی، برای جمع‌آوری داده‌ها از فنون گوناگون مردم‌شناختی، یعنی؛ مصاحبه، مشاهده‌ی مشارکتی و بررسی اسناد (کتاب، ۱۳۸۶: ۶۸۶) بهره برده است؛ از این‌رو، پژوهشگر از دی‌ماه سال ۱۳۹۶ تا خرداد ۱۳۹۷ به مدت شش ماه پیاپی، در نشانگاه مدرسه‌ی ناصریه حضور یافته و از شگردهای زیر بهره‌برداری کرده است:

(۱) مشاهده‌ی مشارکتی: نگارنده با حضور در نشانگاه، در زمستان ۱۳۹۶، بهار ۱۳۹۷، با نگریستن رسای پدیده از دیدگاه‌های گوناگون، چه به‌سان آشکار و چه پنهان، همه‌ی عناصر و مؤلفه‌ها، فضای فیزیکی، شیوه‌ی گفتگوی راهنماها با گردشگران را مورد بررسی قرار داد. در فرآیند این دیده‌ها، مشارکت در صحنه، بهره‌گیری از عکس، فیلم‌برداری، برآیند بهتری را نصیب پژوهشگر نمود.

(۲) مصاحبه‌ی همدلانه: برای کشف معنای بازتاب‌یافته از «حجاب» در کارآزمایی گردشگران، بیش از پنجاه مصاحبه‌ی نیمه ساخت‌یافته و کوتاه انجام شد. نخست با افراد آگاه و سرپرستان مدرسه گفت و گذار شد تا با زیستگاه پژوهش و سوژه‌های دلخواه آشنایی حاصل شود. سپس برای مصاحبه با گردشگران از پرسش‌های ساده و احوالپرسی آغاز و سپس به سوی پرسش‌های هدفمند، با آهنگ صمیمانه پیش رفت. به فراخور جایگاه و برخورد افراد، گاهی شیوه‌ی طرح پرسش‌ها دگرگون و مصاحبه‌ها نیز ضبط می‌شد.

(۳) شجره‌شناسی و بررسی اسناد: برای آگاهی بسته به تاریخچه‌ی نشانگاه و شناخت بسته به پیشینه جستار و همچنین بررسی مو به موی ابعاد گوناگون پرسمان، بایسته است اسناد و مدارک تاریخی پدیده موشکافانه بررسی گردد؛ بنابراین نگارنده از یک‌سو با ورود به مکان و گرفتن فیلم و عکس و پرسیدن داده‌ها از دست‌اندرکاران، در جمع‌آوری اسناد شفاهی کوشید و از دیگر سو با بررسی کتب، نوشتارها و تارنمای وابسته، اسناد موجود را نیز بررسی و مطالعه کرده است.

ب) واکاوی داده‌ها: به‌فراخور رویکرد انتخاب شده، برای واکاوی داده‌ها از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بهره گرفته می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، واکاوی و گزارش الگوهای پدیده در داده‌های کیفی است. این روش، فرآیندی برای واکاوی داده‌های متنی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و گوناگون به داده‌هایی غنی و تفصیلی دگرگون می‌شود (عابدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

تحلیل مضمون ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم بسیاری از داده‌های



پیچیده و مفصل، می‌توان از آن بهره گرفت. همچنین، تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان راستینگی و هم برای تبیین آن به کار می‌رود (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون فرآیندی است که می‌توان در بیشتر روش‌های کیفی به کار برد. روی هم رفته، تحلیل مضمون، شیوه‌ای است برای:

الف) دیدن متن؛

ب) برداشت و درک مناسب از داده‌های به ظاهر ناپیوسته؛

ج) واکاوی داده‌های کیفی؛

د) تبدیل داده‌ها به پنداره‌ها و ایجاد نظم منطقی (Boyatzis, 1998, p 4).

فرآیند تحلیل مضمون در این بررسی، با پیمایش چند گام به‌سان زیر انجام می‌گیرد:

۱) بررسی درونمایه‌ی مصاحبه‌ها:

نخست نوشتارهای برآمده از مصاحبه‌ها، دیده‌ها را بررسی نموده و عبارت‌های هماهنگ با آرمان محوری پژوهش؛ یعنی دربرگیرنده‌ی مضامین پایه را برون‌آوری می‌کنیم. هرچند همه‌ی نوشتارها در واکاوی و فهم جستار دخیل هستند؛ اما برای اختصار به مقتضای گنجایش نوشتار علمی، برخی از جملات گزینش‌شده در نوشتار پیش‌آوری می‌شود. برآیند پایانی به این جملات مستند خواهد بود.

۲) کدگذاری اولیه:

جملات و عبارت‌های گزینش‌شده و حاوی ظاهر سخن یا پنداره، همواره دربرگیرنده‌ی یک سری واژگان کلیدی است که از راه یادآوری معانی بر زبان مصاحبه‌شوندگان جاری شده است. این دانسته‌ها می‌توانند ما را به مضامین جهت‌دهنده رهنمون سازند؛ بنابراین، برای آسانی ترابرد، زیر این‌گونه واژه‌ها خط می‌کشیم. به‌راستی واژگان نشان‌دار (هایلایت شده) به تسامح، درونمایه‌ی پایه (Global) شمرده می‌شوند. از گردایش مصاحبه‌ها، نزدیک به هشتاد مضمون پایه برون‌آوری شد که در نوشتار، تنها مضامین سازمان‌دهنده به استناد برخی گزاره‌های نمونه پیش‌آوری می‌شود.

۳) کدگذاری ثانویه:

جملات حاوی درونمایه‌های مشترک را خوشه‌بندی نموده و به‌فراخور درونمایه‌ی غالب عنوان‌بندی می‌کنیم. به‌راستی با تجمیع درونمایه‌های پایه به نُه مضمون سازمان‌دهنده رسیدیم و به‌فراخور آن، متن را عنوان‌بندی می‌کنیم؛ بنابراین، هرکدام از این عنوان‌ها، مشعر به یک مضمون سازمان‌دهنده (Organizing) است. هرچند خوشه‌بندی نمی‌تواند سراسر دارای طرد دوسویه باشد؛ زیرا جملات همواره حاوی چند درونمایه‌ی پایه است؛ اما به‌فراخور معنای غالب، جملات زیر یک تیترا قرار می‌گیرند.

۴) ترسیم شبکه مضامین:

در جمع‌بندی پایانی نوشتار، تلاش می‌کنیم با بهره‌گیری از تیتراهای نُه‌گانه، مضمون فراگیر (Basic)



را برداشت نموده و با چینش مضامین سازمان‌دهنده پیرامون آن به ترسیم شماتیک الگوی پنداره‌ای بپردازیم.

تعریف مفاهیم

در پژوهش بایسته است سه پنداره‌ی بنیادین «حجاب زنانه» همچون پرسمان پژوهش، «گردشگران خارجی» همچون نکته‌ی پژوهش و «مدرسه‌ی ناصریه» همچون نشانگاه شناسانده شوند. افزون بر شناسادن پنداره‌ای اشاره به برخی از ابعاد برای ابهام‌زدایی بایستگی دارد.

(۱) حجاب زنانه:

هرچند پوشش برای مرد و زن مشترکند؛ اما آنچه امروز از چالش برخوردار بوده، حجاب زنانه است. حجاب در لغت به معنای پرده، مانع، چادر، روپوش و روبند معنا شده است (فولادگر، ۱۳۸۳: ۱۱۳/ عمید، ۱۳۶۲: ۴۱۸). حجاب در اصطلاح به معنای پوششی است که سر، گردن و برآمدگی‌های اندام زن را بپوشاند و زیورآلات او را بر پایه‌ی موازین شرعی پنهان کند. برخی حجاب را به دو گونه‌ی ظاهری و باطنی بخش‌بندی می‌کنند که منظور از حجاب ظاهری همان پوشاندن بدن و حجاب باطنی، حیا و عفت است (مالکی بروجنی، ۱۳۹۶: ۱۴۶)؛ بنابراین، حجاب تنها به پوشش و لباس منحصر نمی‌شود؛ بلکه محافظت و مهار همه‌ی اعضا و جوارح، مانند چشم، راه رفتن، صحبت کردن و هر چیزی که حیا و عفت انسان را پاس می‌دارد، دربرمی‌گیرد (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۱۳).

هرچند حکم حجاب در همه‌ی ادیان الهی وجود داشته و تنها وابسته به دین اسلام نیست؛ اما افزون بر اینکه اندازه‌ی آن در شریعت‌های گوناگون ناهمسان است، در فرهنگ روزمره‌ی پیروان ادیان پاس داشته نمی‌شود. برای نمونه پولس در انجیل لوقا می‌گوید: «زنان باید حجاب داشته باشند و سر خود را بپوشانند؛ زیرا زن، سر مرد است. سر مرد چهره و جلال خود را پژواک ساخته؛ ولی اگر زن سرش را نپوشاند، مانند آن است که موهایش را تراشیده باشد. در آن زمان سر زنان بدکاره را می‌تراشیدند» (مارتین، ۴۲۴: ۱۸۳۷). در تلمود کتاب فقهی یهود نیز آمده است: «زنانی که در نکات زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ مهریه به آنها تعلق نمی‌گیرد: زنی که از اجرای قوانین دین یهود سرپیچی کند و برای نمونه بدون پوشاندن سر خود در میان مردان پیدا شود و از روی سبک‌سری با هر مردی به گفتگو بپردازد» (کهن، ۱۳۸۲: ۸۲). همچنین برابر اسناد، در آیین زرتشت گونه‌ی برگزیده‌ای از پوشاک تشریح نشده؛ بلکه پوشاک رایج آن زمان در بردارنده‌ی جامه‌ی بلند، شلوار و سرپوش؛ یعنی چادر یا شنلی بر روی آن بوده است. اگرچه بر مردان و زنان واجب است که برای انجام مراسم عبادی و نیایش سر خود را بپوشانند (مهر، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

حجاب همچنین از بایسته‌های دین اسلام است و مراجع تقلید درباره‌ی آن احکامی بیان نموده‌اند، از جمله امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن، حکم منکر



ضروری را دارد و منکر ضروری، محکوم به کفر است؛ مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا و رسول ﷺ نیست». (دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳: ۱۳۸۱)

در آیات قرآن نیز به وجوب حجاب برای زنان اشاره شده است، برای نمونه در آیه ۳۱ سوره نور، خداوند به زنان مؤمن دستور می‌دهد که زینت‌های خودشان را آشکار نکنند و گردن و سینه‌ی خود را با مقنعه بپوشانند؛ همچنین در آیه ۵۹ سوره احزاب، فرمان می‌دهد که زنان، خود را با چادر بپوشانند و انگیزه‌ی آن را نگاهداشتن زنان از آزار دیگران و همچنین نشانه‌ی عفت و پاک‌ی آنان برشمرده است. بر پایه‌ی فتوای اکثر مراجع از جمله آیت‌الله مکارم «در باره‌ی حجاب واجب، بسنده است که زن بدن خود را جز چهره و دست تا مچ به هر ابزاری که می‌تواند بپوشاند و تن‌پوش ویژه‌ای بایسته نیست؛ ولی پوشیدن تن‌پوش‌های تنگ و چسبان و همچنین تن‌پوش‌های زینتی اشکال دارد» (دفتر انتشارات اسلامی، ۳۷۸، ج ۲: ۴۲۱). به تعبیر شهید مطهری «در اینکه پوشانیدن غیر وجه و کفین بر زن واجب است، برای فقه اسلام هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۵۰۷).

در باره‌ی حجاب گردشگران خارجی نیز همه‌ی مراجع بر این باورند که: «افراد گردشگر از روی حکم فقهی، تابع دین خود هستند؛ اما همان‌گونه که ناگزیر به پاسداشت دیگر قوانین کشور هستند، نباید اجازه داده شود خلاف ارزش‌های دینی و فرهنگی کشور اقدام کنند و مایه‌ی گسترش فساد و ابتذال اخلاقی شوند» (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۹).

در قانون اساسی ایران نیز به ناگزیری پاسداشت حجاب در اماکن عمومی و اجرای حدود شرعی در باره‌ی زنانی که بدون حجاب شرعی در انظار عمومی ظاهر می‌شوند، اشاره شده است. برجسته‌ترین قانونی که بی‌حجابی را جرم برشمرده، ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۵ است. در تبصره‌ی این ماده که همان ماده‌ی ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است، چنین آمده: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر می‌شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد» (رضایی، ۱۳۹۷: ۴۱۲).

با این وجود، اسلام و قانون اساسی با هرگونه تعرضی بسته به حقوق زنان ناسازگار است. به همین سبب امام خمینی ﷺ در تیرماه ۱۳۵۹ در پیامی در پاسخ استعلام درباره‌ی تعرض شماری به بانوان بی‌حجاب اعلام کردند، ممکن است تعرض به زن‌ها در خیابان و کوچه و بازار، از سوی منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. هیچ‌کس حق تعرض ندارد و این‌گونه دخالت‌ها برای مسلمان‌ها حرام است و باید پلیس و کمیته‌ها از این‌گونه جریانات جلوگیری کنند (خمینی، ۱۳۸۶: ۵۰۲).

۲) گردشگران خارجی:

گردشگر فردی است «که به صورت داوطلبانه از مکانی به دور از محل سکونت خود، با انگیزه‌ی آزمودن یک دگرگونی و دیدن، سفر می‌کند» (اسمیت، ۱۹۸۹: ۲). افراد با انگیزه‌های گوناگونی به سفر می‌روند. از جمله؛ تفریح و سرگرمی، تجارت، آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم، تماشای مراکز



تاریخی شهرها و کشورهای گوناگون، انگیزه‌هایی است که می‌توان به آن اشاره کرد. آنچه بسیاری از انسان‌شناسان را به سرزمین‌های دوردست می‌کشاند، ناهمگونی فرهنگی «دیگران» در زمینه‌های باورهای دینی، عرف و سنن، نظام‌های خویشاوندی و داد و ستد اقتصادی است (هاشمی مقدم، ۱۳۹۱: ۲۹).

گردشگری فرهنگی، گونه‌ای گردشگری است که به گیرایی‌های ویژه‌ی فرهنگی مانند موزه‌ها، اماکن تاریخی، نمایشگاه‌ها می‌پردازد. در این گونه گردشگری، مسافر به جای ویژه‌ای می‌رود تا از یک مراسم فرهنگی لذت ببرد یا از یک مکان فرهنگی دیدن کند. به‌راستی، گردشگری فرهنگی عبارت است از مسافرت افراد از مکان سکونت خود به مکان‌هایی که جاذبه‌ی فرهنگی، تاریخی و یادمانی دارند. این جابجایی با انگیزه‌ی کسب درونداها و ارضای نیازهای فرهنگی انجام می‌شود (موسوی، ۱۳۹۳: ۷۴).

گردشگری در اسلام نیز شایسته است؛ خداوند در بسیاری از آیات قرآن، به افراد سفارش می‌کند به مسافرت بروند و از سرگذشت اقوام گذشته، عبرت بگیرند؛ برای نمونه، در سوره‌ی غافر می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! (غافر، ۸۲).

۳) مدرسه‌ی ناصریه:

همه‌ی مکان‌ها اجتماعی هستند، به‌عبارت‌دیگر بین افراد و جوامع پیوند برقرار می‌کنند و نمی‌توان هیچ مکانی را بدون در نظر گرفتن بعد اجتماعی آن پنداشت. پیوند مردم و نقش یک مکان در ایجاد وابستگی بین آنها، به آن مکان معنا می‌بخشد. به‌راستی مکان‌ها بخش جدانشدنی هم‌کنش‌های اجتماعی هستند. شخصیت اجتماعی یک مکان مقدس نیز به کسانی که در آن کنشگری می‌کنند، منش و جایگاه ویژه‌ای می‌بخشد. به همان سان خود مکان نیز ارزش و آبروی خود را از رودررویی کنشگری مبلغان و رهبران مذهبی که در آنجا هستند می‌گیرد (تیموتی و السن، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۳).

گردشگرانی که در دوره‌ی صفویه چندی از ایران بازدید کرده‌اند، از وجود شمار بسیار زیاد مدرسه‌ها سخن گفته‌اند. شاردن گردشگر فرانسوی که در زمان صفویه سال‌ها در اصفهان اقامت داشته، در سفرنامه‌ی خود درباره‌ی مدارس صفویه چنین نوشته است: «مدارس در ایران فراوان است، ایرانیان آموزشگاه‌ها را مکتب خوانند و معلمین را مکتب‌دار گویند، در هر شهری شمار بسیاری مدرسه موجود است و تا جایی که می‌توان گفت در هر کرانه‌ای از شهر نیز، مدارس بسیاری وجود دارد» (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۵: ۲۷).

چون روح دین، همواره طالب جان‌تعلیم است، این‌گونه مراکز یعنی مذهبی-آموزشی، همواره در کنار هم و یا در کنار جریان و حرکت مردم؛ یعنی در گوشه و کنار بازارها مکان‌یابی گردیده‌اند. همان‌گونه که مسجد، به بازار و به محله نزدیک است تا با آذان، مردم را بطلبد، مدرسه نیز در کنار آنها



جا می‌گیرد تا پاسخگوی اذان دل و پرسش‌های مردم باشد. در گذار زمان مدارس نیز همانند مساجد با الگوی معماری ویژه؛ یعنی ترکیبی از دین و هنر و تجلی‌گاه هنر اسلامی، همچون یکی از ارکان بنیادین شهر، در قلب شهرهای مسلمانان پذیرفته شد؛ به‌گونه‌ای که مدارس بزرگ‌تر در کانون شهر، در کنار مساجد جامع، به‌دست سلاطین و متمکین و مدارس کوچک‌تر در محلات شهری و به‌دست لایه‌های گوناگون مردم، با بهره‌وری از گونه‌های هنرها بنا نهاده شد. در عصر صفویه، مدارس و نهادهای آموزشی به‌الترین مقام دست‌یافت؛ چراکه در این زمان، از یک‌سو دولتمردان صفوی، پرچم‌دار تشیع در تاریخ اسلام بودند تا بدین سان مذهب تشیع را ملی نمایند و از دیگر سو رواج این مذهب، خود نیازمند فضاهایی برای گسترش بود؛ بنابراین پیشرفت مکان‌های مزبور در سرلوحه‌ی امور قرار گرفت و مدارس بی‌بدیلی در این دوران بنا نهاده شد (www.memarnet.com).

مدرسه‌ی ناصریه یکی از مدارس دوره‌ی صفویه و در کنار مسجد امام (شاه سابق) اصفهان ساخته شده است. این مدرسه در ضلع شرقی مسجد امام، در میدان نقش جهان واقع و در فهرست آثار ملی، ثبت جهانی شده است. در دوره‌ی صفویه، دو سوی مسجد، دو مدرسه برای یادگیری طلاب علوم دینی ساخته شد که یکی سلیمانیه و دیگری پس از تعمیرات در دوران ناصرالدین‌شاه، مدرسه‌ی ناصریه نام گرفت. این مدرسه در ضلع جنوب شرقی مسجد امام علیه السلام در اصفهان قرار دارد. حجره‌های مدرسه تنها در سوی شرق مدرسه قرار دارد که به‌وسیله کاشی خشت هفت‌رنگ تزئین شده است. در سوی ایوان جنوبی مدرسه‌ی ناصری، چند لوح و کتیبه نمایان است که از آن جمله می‌توان به کتیبه‌ای اشاره کرد که با خط ثلث مشکی بر زمینه‌ی زرد به قلم توانای محمدرضا امامی نوشته شده است. بر روی این کتیبه‌ها که در شش قطعه می‌باشند، صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده و با نام نویسنده و تاریخ سرانجام آن که ۱۰۷۷ هجری است، پایان می‌یابد. در درون محراب ایوان جنوبی مدرسه‌ی ناصری چند کتیبه است که دربرگیرنده‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی اخلاص و آیات ۷۸ و ۷۹ سوره‌ی مبارکه‌ی اسری است. کتیبه داخل محراب مدرسه که در سال ۱۰۹۵ هجری قمری در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی و به دست محمد محسن امامی نوشته شده است، آخرین کتیبه‌ی موجود مسجد امام از دوره‌ی صفویه است (<http://www.islamictourismcenter.ir>).

توصیف نشانگاه

بنای مدرسه‌ی ناصریه در مسجد امام علیه السلام، واقع در میدان نقش جهان اصفهان است. این میدان در دوره‌ی تیموریان ساخته شد و در زمان شاه‌عباس اول گسترش یافت و به شکل کنونی درآمد. بیشتر بناهای پیرامونی این میدان نیز در همین دوره ساخته شده است. بازی چوگان، رژه قشون، برگزاری جشن‌ها و آیین‌ها و نمایش‌های گوناگون در دوره‌ی شاه‌عباس اول و جانشینان او در این مکان برگزار می‌شد.



نمایی از میدان امام (نقش جهان)

در چهار طرف میدان امام، بناهایی قرار دارد که سردر قیصریه، کاخ عالی قاپو و مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد امام از آن جمله‌اند. مسجد امام در ضلع جنوبی میدان امام واقع شده است و به سبب کاشی‌کاری‌های بسیار زیبا و بی‌بدیشش مورد توجه بسیار گردشگران قرار دارد. در دوره‌ی صفویه، در دو سوی مسجد، دو مدرسه برای تحصیل طلاب علوم دینی ساخته شد که یکی پس از تعمیرات دوران ناصرالدین‌شاه، مدرسه‌ی ناصریه نام گرفت.

از در مسجد امام که وارد می‌شویم، دو راهرو یکی در سوی راست و دیگری در سوی چپ قرار دارد که هر دو به سرای مسجد راه می‌یابد. راهرو سمت چپ را که دنبال می‌کنی، از میان سنگ‌فروش‌ها و کاشی‌کاری‌های زیبا گذر می‌کنیم و قدم در حریم کبریایی مسجد امام می‌گذاری، در سمت چپ پلکانی کوچک قرار دارد که به شبستان مسجد منتهی می‌شود که در آنجا نماز جماعت برگزار می‌گردد. پس از پلکان مسجد در همان سمت، ایوانی زیبا با کاشی‌های فیروزه‌ای و نقش و نگاری بی‌بدیل، مزین به آیات قرآن، چشم را نوازش می‌دهد، بیشتر گردشگران در این ایوان درنگ می‌کنند و از کاشی‌کاری‌های مزین به آیات قرآن عکس می‌گیرند. این ایوان با یک پنجره‌ی سنگی به مدرسه‌ی ناصریه چسبیده است و از داخل آن سرای مدرسه و گردشگران نمایان هستند. پس از ایوان به سرای مدرسه‌ی علمیه‌ی ناصریه می‌رسیم که در آن نیمکت‌های چوبی با روکش‌های لاجوردی که با کاشی‌های پیرامون هم‌رنگ است، گذاشته‌اند. گردشگران در کناره‌های راهنمای مذهبی می‌نشینند و پرسش خود را می‌پرسند. راهنما که روحانی خوش‌برخوردی است و عمامه‌ی سفید و قبا و نعلین قهوه‌ای پوشیده، به دو زبان فرانسه و انگلیسی مسلط است و صمیمانه به آنان پاسخ می‌دهد؛ گاهی در بین صحبت‌هایش با آنان شوخی کوتاهی می‌کند و به یک‌باره صدای خنده‌ی آنان در فضا می‌پیچد که توجه اطرافیان را جلب می‌کند. یک میز چوبی در جلو راهنما قرار دارد که روی آن رومیزی قلمکاری،



از صنایع دستی اصفهان پهن شده است و بروشورهای نامه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای به زبان انگلیسی و یک ظرف سفالی به رنگ لاجوردی قرار دارد که در داخل آن «پولکی» (نوعی شیرینی یا آب‌نبات سنتی اصفهان) است. راهنما در بدو ورود گردشگران با آن از مهمانان پذیرایی می‌کند. پشت نیمکت‌ها تابلویی قرار دارد که روی آن به زبان انگلیسی نوشته شده است: «گفتگوی دوستانه‌ی آزاد» (Free friendly talk). گردشگران با تماشای این نوشته، وارد گفتگو می‌شوند. روبروی این محفل، ایوانی است که نمایی گنبدی شکل و پوشیده با کاشی‌های لاجوردی دارد، قرار گرفتن در آن محل، حسی معنوی به انسان می‌دهد. در پاییز و زمستان که هوا سردتر است، محفل دوستانه در این مکان برگزار می‌شود.



محل گفتگوی دوستانه مدرسه‌ی ناصریه

در سمت چپ مدرسه، حجره‌هایی کوچک قرار دارد که به گفته‌ی مدیر کنونی مدرسه‌ی ناصریه، حجت‌الاسلام اخوان، در گذشته کلاس درس طلاب بوده؛ ولی اکنون تغییر کاربری پیدا کرده و هر کدام به کنش‌وری اختصاص یافته است. حجره‌ی نخست ویژه‌ی مدیر مدرسه بوده و بر سر در آن «دفتر امور بین‌الملل» نقش بسته؛ حجره‌ی دوم که به‌صورت حجره‌های تودرتوست، به شکلی بسیار زیبا تزئین و تبدیل به نمایشگاهی شده که تابلوهایی از اساتید این مدرسه درگذشته و همچنین کودکان و مسلمانان ستم‌دیده‌ی سراسر جهان به دیوارهای آن نصب شده است. در طاقچه‌های آن، دستمال‌های قلمکاری پهن و روی آن اشیای سنتی مانند چراغ و گلدان قرار دارد. دیواری که مجاور سراسر است، دارای پنجره‌های مشبک چوبی است که از داخل آن می‌توان سرای مدرسه و رفت‌وآمدها را تماشا کرد. قرار



گرفتن در این فضا، انسان را به گذشته‌های دور می‌برد، گویی خود را در آن زمان تصور می‌کند. در محل خروجی نمایشگاه، یک میز چوبی قرار دارد که برگه‌های نظرخواهی و یک دفتر و قلم روی آن گذاشته شده تا گردشگران در پایان بازدید از نمایشگاه، دیدگاه خود را درباره‌ی آن بنویسند. بیشتر گردشگران خارجی می‌گویند از این نمایشگاه لذت برده‌اند و احساسات زیبای خود را در آن می‌نویسند.

حجره‌ی آخر، به نمایشگاه کتاب اختصاص داده شده است که کتاب‌ها و بروشورهای مذهبی با زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها در آن وجود دارد. شماری از گردشگران علاقه‌مند به آشنایی با اسلام، از این فضا بهره می‌برند تا پاسخ پرسش‌های خود را در بین کتاب‌ها و مجلات بیابند.

در ضلع جنوبی مدرسه، محراب قرار دارد، کتیبه‌ی داخل محراب با خط سفید بر زمینه‌ی کاشی لاجوردی حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ درباره‌ی فضایل حضرت علی ؑ منقش شده است. قال رسول الله: ﷺ «لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْحَجْنَ حُسَابٌ وَ الْإِنْسَ كُتَابٌ مَا أَحْصَاوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ ؑ» (ابن طاووس، ۱۴۰۰ ق، ج ۱: ۱۳۹).

روبروی محراب باغچه‌ای دارد که در میان آن حوضی به رنگ آبی لاجوردی قرار گرفته که در فصل تابستان، آب در میان آن فواره می‌زند. روبروی آن در حاشیه‌ی باغچه، درختان سرو مخروطی شکل، همراه با گل‌های رز رنگارنگ، نمای زیبایی در سرای مدرسه ایجاد کرده‌اند.



حیاط مدرسه‌ی ناصریه

دورتادور سرای مدرسه، ایوان‌هایی با طاق‌های گنبدی شکل قرار دارد که می‌تواند جایگاهی برای نشستن و یا در امان ماندن از آفتاب در تابستان و باد و باران در زمستان باشد. نقوش اسلیمی و کاشی‌کاری‌هایی که نام پیامبر و حضرت علی ؑ بر آن نقش بسته است، توجه گردشگران را به خود جلب می‌کند.



خانمی فرانسوی که همراه پسرش به ایران آمده با تعجب به نقوش روی دیوارها و خوشنویسی‌هایی که به خط کوفی روی کاشی‌ها نقش بسته بود نگاه می‌کرد؛ با اشاره به کاشی‌ها گفت: «این خوشنویسی‌ها چیست؟ چه چیزی نوشته شده است؟» گفتم: «اینها نام پیامبر و حضرت علی، امام اول ما شیعیان است.» گفت: «اوه، چه جالب، خیلی زیباست!» (۱۳۹۶/۱۱/۲۱، ساعت ۱۰/۳۰).

در کنار حوض مدرسه دختر خانمی چینی با لبخند گفت: «من بسیار ایرانی‌ها را دوست دارم. آنها بسیار مهربان و مهمان‌نواز هستند. من پیش‌تر در کشور خودم فیلم‌های ایرانی بسیاری را دیده‌ام و بسیار از آنها خوشم آمده بود، برای همین به ایران سفر کردم. از اینکه به اینجا آمدم و از نزدیک با فرهنگ شما آشنا شدم، بسیار خوشحالم.»

درباره‌ی حجاب و روسری که بر سرش داشت پرسیدم، او گفت: «من خیلی حجاب را دوست دارم. این روسری می‌تواند در زمستان مرا گرم کند و در تابستان هم مانع تابش مستقیم نور خورشید به بدنم است» (۱۳۹۶/۱۲/۵، ساعت ۱۱، کنار حوض ناصریه).



زن و شوهر چینی

در سرای مسجد امام علیه السلام مرد میان‌سال چینی را در حال عکس گرفتن از کاشی‌کاری‌های مسجد دیدم و دیدگاه او را درباره‌ی ایرانیان پرسیدم او با لبخند گفت: «من بسیار خوشحالم که به ایران آمدم، چون در بسیاری از کشورها مردم نمی‌خواهند با دیگران پیوند برقرار کنند؛ ولی مردم ایران بسیار دوست دارند با گردشگران هم‌کنش داشته باشند و این چیزی است که من در کشورهای دیگر ندیدم» (۱۳۹۶/۱۱/۲۱، ساعت ۱۱/۲۰).

سرپرستان مدرسه، در مناسبت‌های گوناگون مذهبی، مراسم‌هایی را برای گردشگران اجرا می‌کنند. به مناسبت میلاد امام زمان علیه السلام و حضرت علی اکبر علیه السلام جشنی برگزار کرده بودند و گل و شربت و شیرینی به گردشگران هدیه می‌دادند. پژوهشگر هم با شرکت در این مراسم و هدیه دادن گل به آنها به



پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد و درباره‌ی موعود جهانی که وجه مشترک همه‌ی ادیان است، روشنگری می‌کرد. آنها از این همه پذیرایی و اهدای گل شگفت‌زده شده بودند و [چنین] بازگو می‌کردند که تاکنون در هیچ کشوری ندیده بودند که مردم به رایگان به افراد ناشناس گل و خوراکی بدهند (نیمه‌ی شعبان، ۱۳۹۷/۲/۱۱، ۱۰ صبح).

روبروی در مسجد، چند خانم تایلندی سرگرم عکس‌برداری بودند. در نخستین برخورد، یکی از آنها با دیدن چادری که من بر سر داشتم پرسید: «چطور چادر از سر شما سر نمی‌خورد؟» من با اشاره به کش چادرم، گفتم: «به خاطر این کش» و او لبخندی زد و با شگفتی گفت: «آهان! چه جالب» (۱۳۹۶/۱۱/۱۴، ۱۰:۲۹ ساعت).



زنان تایلندی، ورودی مسجد امام

زن و شوهر جوان لهستانی، در ضلع جنوبی ناصریه سرگرم عکاسی از محراب و ایوان‌هایی بودند که طاق‌های گنبدی داشت، دیدگاه زن را درباره‌ی پوشیدن حجاب پرسیدم. او گفت: «پیش از اینکه به ایران بیایم، انگاشت دیگری درباره‌ی زنان ایرانی داشتم؛ ولی اکنون آگاه شدم که آنها زنانی بروز و تحصیل‌کرده هستند.» در مورد حسش درباره‌ی پوشیدن حجاب با شور و اشتیاق می‌گفت: «من با این لباس و حجابی که اینجا دارم، عکس گرفتم و آن را اینترنتی برای دوستان و خانواده‌ام فرستادم و آنها گفتند: با حجاب خیلی زیباتر شده‌ای و به تو آمده است و من از این بابت خیلی خوشحالم؛ اما همیشه نمی‌توان از آن سود برد، سخت است» (۱۳۹۶/۱۱/۲۱، ساعت ۱۱/۲۰، ضلع جنوبی ناصریه).

یک خانم ایتالیایی نگاه گردشگران به زنان ایرانی را خوب جمع‌بندی می‌کند. «ما به کشورهای مسلمان بسیاری سفر کرده‌ایم و در پایان فهمیدیم که زنان در ایران، نقش بنیادین را در خانواده و حتی



اجتماع به عهده دارند. آنها می‌توانند تدریس کنند و کارهای حرفه‌ای داشته باشند و آزادی بیشتری نسبت به دیگر کشورهای اسلامی دارند. اگرچه مشکل حقوق بشر درباره‌ی زنان وجود دارد و آنان باید مستقل باشند؛ ولی آن‌گونه که در دیگر کشورها درباره‌ی زنان ایرانی فکر می‌کنند که آنها مانند زندانی هستند، این‌گونه نیست و حقیقت به گونه‌ی دیگری است. من هنگامی که به کشورم برگردم، بی‌گمان در این باره گفتگو می‌کنم» (کریستانا از ایتالیا: ۱۳۹۷/۱/۲۹، ساعت ۱۱، مقابل دفتر بین‌الملل نصریه).

یافته‌های توصیفی

در این بخش نمونه‌هایی از جملات گردشگرها را بیان نموده و زیر واژگان کلیدی و رهنمون به سوی مضمون سازمان‌دهنده خط می‌کشیم. هرکدام از تیتراها به راستی یک مضمون سازمان‌دهنده‌اند. از گردایش آنها به مضمون فراگیر خواهیم رسید.

۱- آزادی محدودیت

«من خوشحال می‌شدم اگر مجبور نبودم حجاب بپوشم و خودم آن را انتخاب می‌کردم. از دیدگاه من این گونه‌ای محدودیت زنان ایرانی است. در کشور ما هم درباره‌ی حجاب گفتمان وجود دارد. آنها باور دارند که زنان نباید حجاب داشته باشند و با آنان برخورد می‌شود و در اینجا هم وارونه‌ی آن چالش وجود دارد» (زوج لهستانی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱، ساعت ۱۰ صبح).

«ما نمی‌دانیم زنان ایرانی چرا حجاب می‌پوشند. آیا شما خودتان این را انتخاب کرده‌اید. با اشاره‌ی تحقیرآمیز به چادر مشکمی می‌گوید: حجاب مانند قفس است» (پائولا از سوئیس: ۱۳۹۷/۱/۲۹، ساعت ۱۰/۳۰، ایوان شمالی نصریه).

«زنان در ایران با زنان اروپایی ناهمسانند. آنها مجبورند حجاب داشته باشند و به همین سبب کمتر می‌توانند مانند مردان فعالیت کنند. درست مانند اروپای پنجاه سال پیش که زنان آزاد نبودند و نمی‌توانستند رأی بدهند» (خانواده لهستانی: ۱۳۹۶/۱/۲۳، ساعت ۹/۳۰، ورودی نصریه).

«پوشیدن حجاب برای ما آسان نیست و مدام روسری مان می‌افتد. من آن را با گیره به موهایم زده‌ام تا لیز نخورد؛ زیرا ایرانیان به آن باور دارند، اشکالی ندارد. مشکل من این است که شخص دیگری شما را (گردشگران) را مجبور می‌کند تا حجاب بپوشید. ما در آلمان آزادیم که اگر خواستیم خودمان را بپوشانیم...»

دیدگاه این گردشگر درباره‌ی نامه‌ی چارلی چاپلین به دخترش پرسش شد که گفته است: «دخترم تن عریان تو وابسته به کسی است که روح عریانش را دوست داری». (چاپلین، ۱۳۸۹: ۳۲۶) او با لحن تند و خشن گفت: «چارلی چاپلین آدم خیلی باهوشی نبوده و فرد بی‌فکری بوده است. این دیدگاه شخصی اوست و نباید به دیگران تحمیل کند» (اولی وگودی از آلمان: ۱۳۹۷/۱/ ۲، ساعت ۱۱/۳۰، ایوان شمالی نصریه).

۲- مانع ابراز وجود زنان

دختر چینی: «من افراد بسیاری را می بینم که حجاب دارند؛ ولی در اخبار (آمریکا) شنیده ام که زنان ایرانی دوست دارند حجاب خود را کنار بگذارند، من چون در آمریکا تحصیل کرده ام، گمان می کنم که زنان خوب است که خود را نشان بدهند. در آنجا مردم خیلی آزادند» (۱۳۹۶/۱۱/۲۸، ساعت ۱۱/۳۰، ورودی حیاط ناصریه به مسجد امام).

«از دیدگاه من کسی که وارد جامعه ای می شود، باید خودش را با آن برابرسنجی کند و چون ایران یک کشور اسلامی است، من به قانون آن درباره ی پوشش احترام می گذارم؛ اما همچون یک زن ممکن است کسی بخواهد خودش را ابراز کند و استقلال داشته باشد. من آگاه شدم که شماری از زنان دوست ندارند حجاب داشته باشند و می خواهند حجاب خود را بردارند» (خانم کاتینو از فرانسه: ۱۳۹۷/۲/۵، ساعت ۱۱، ورودی نمایشگاه ناصریه).

۳- سلب حق انتخاب

«من به پوشیدن حجاب عادت ندارم و پی در پی روسری از سرم سر می خورم؛ ولی برای من اشکالی ندارد؛ اما فکر می کنم هر کسی خودش باید برای خودش تصمیم بگیرد» (دختر فرانسوی ۳۹ ساله: ۱۳۹۷/۱/۲۳، ساعت ۹/۴۵).

«زنان در ایران بسیار تحصیل کرده اند و من امیدوارم در آینده آزادی بیشتری داشته باشند. حجاب باید آزاد باشد و زنان باید حق انتخاب داشته باشند» (الیزابت از اتریش: ۱۳۹۷/۱/۲۹، ساعت ۱۰/۱۵).

۴- تبعیض جنسیتی

«اگر زنی مورد تجاوز واقع می شود برآمده از بدذاتی مردان است نه زنان» (زنان تایوانی: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴، ساعت ۱۰/۲۹).

«این دشوار است که بفهمیم چرا زنان ایرانی این گونه لباس می پوشند. این تخریب زنان است. اگر مشکلی هست از مردان است. نباید زنان را پوشاند تا مهیج نباشند. این کار شما برعکس است» (زن فرانسوی: ۱۳۹۷/۲/۵، ساعت ۹/۳۰).

«من شنیده ام که اگر زنی در ایران کشف حجاب کند او را بازداشت می کنند و به زندان می برند. درباره ی مردان اگر به زنی تعرض کنند، چه قانونی وجود دارد. آیا آنها هم تنبیه می شوند یا نه؟» (زن تایوانی: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴، ساعت ۱۰/۴۵، ورودی مسجد امام).

«من هفته ی گذشته در دیزین بودم و در آنجا تنها با یک دختر آشنا شدم که نامش شکوفه بود. او بی حجاب بود و می گفت دوست ندارد دیگران به او بگویند چکار بکند. او مسلمان بود و چیزهای بسیاری درباره ی حافظ و نوشتارهای بسیاری درباره ی سنت های ایرانی می دانست؛ اما او درباره ی قانون راضی نبود و خواهان تغییر قوانین بود» (مرد فرانسوی: ۱۳۹۶/۱۲/۵، ساعت ۱۲، روبروی تابلوی گفتگوی دوستانه).

۵- مشقت جسمی

«به‌راستی بسیار مشکل است که هم چادر بیوشی، هم یک بچه و یک کیف و چتر در دست داشته باشی» (ماهی از سوئیس: ۱۳۹۷/۱/۲۹، ساعت ۱۰/۳۰، ایوان شمالی ناصریه).

«حجاب برای من دشوار نیست؛ ولی من نمی‌دانم چرا شما در این هوای گرم تابستان چادر سیاه می‌پوشید. حجاب نباید اجباری باشد و باید افرادی که دوست دارند و مذهبی هستند از آن سود ببرند» (رزبیکا از اتریش: ۱۳۹۷/۱/۲۹، ساعت ۱۰/۴۵، ایوان شمالی ناصریه).

«برای من داشتن حجاب دشوار است. نمی‌دانم چرا باید در هوای گرمی مانند امروز از آن استفاده کنم. ممکن است شماری از افراد نخواهند حجاب داشته باشند. در فرانسه هم مسیحیان کاتولیک و پروتستان وجود دارند و ادیان دیگر هر کسی آزاد است، برابر دین خود عمل کند. جامعه نباید چیزی را بر افراد تحمیل کند و بار سنگینی را بر دوش آنان بگذارد» (خانم وکیل فرانسوی: ۱۳۹۷/۲/۲۵، ساعت ۱۱/۲۵، حیاط ناصریه).

۶- بار ایدئولوژیک

«ما در فرانسه حجاب نداریم و اینجا برای قانون مجبوریم بیوشیم. از دیدگاه سیاستمداران یک روز باید حجاب داشته باشید، یک روز می‌گویند نداشته باشید» (شارلین، جان و کلخ (دختران فرانسوی): ۱۳۹۷/۳/۷، ساعت ۱۰/۱۵، نیمکت‌های گفتگوی دوستانه).

۷- نماد مردسالاری

«در کشور ما هم این چالش وجود دارد که اگر یک زن مورد تعرض واقع شد، افراد سنتی او را سرزنش می‌کنند و می‌گویند برای این بوده است که دامن کوتاه داشته و لباس پوشیده‌ای نداشته است» (خانم تایوانی: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴، ساعت ۱۰/۵۵، ورودی مسجد امام).

۸- پدیده‌ی سنتی

«من به حجاب احترام می‌گذارم و می‌پوشم. این سنت شماسست و هر کسی در هر گروهی وارد می‌شود، باید خودش را با آن هم‌خوان کند. باید به هر فرهنگی احترام گذاشت. اگر به خانه‌ی کسی وارد می‌شوی و می‌گوید کفش‌هایت را در بیاور، باید آنها را درآوری» (خانم فرانسوی: ۱۳۹۷/۱/۲۹، ساعت ۹/۳۰، روبروی حوض وسط سرای ناصریه).

«قرآن در زمانی نازل شد که جامعه‌ی عربی مردسالار بود و زنان اجازه‌ی حضور در اجتماع را نداشتند» (آنا از اتریش: ۱۳۹۷/۱/۲۳، ساعت ۱۰، محل گفتگوی دوستانه).

۹- تمایز معنایی حجاب و حیا

«پدر: زنان باید برای گزینش حجاب آزاد باشند. مادر من خوشحال است که حجاب می‌پوشد و خواهرم هم برای آن احترام قائل است (مرد اصالتاً ایرانی بود). پسر: در کشور ما تنها شماری از مذهبی‌ها هنگام آمدن به کلیسا آن را می‌پوشند. مهم این است که انسان حیا داشته باشد» (پدر و پسر



انگلیسی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۵، ساعت ۱۱/۳۰، ضلع غربی ناصریه).

«در کشور ما مسلمانان بسیاری وجود دارند که حجاب ندارند و تنها شماری از آنها حجاب دارند. خداوند در قرآن هم تنها گفته زن باید باحیا باشد نه اینکه حجاب داشته باشد» (رزالی از آلمان: ۱۳۹۷/۳/۷، ساعت ۱۰/۴۵، ورودی نمایشگاه ناصریه).

جمع بندی و نتیجه گیری

- ملیت گردشگرانی که از کشورهای گوناگون به ایران سفر می کنند و در نشانگاه ناصریه با آنها رویارو شدیم، بیشتر آمریکایی، آلمانی، اتریشی، لهستانی، ایتالیایی، فرانسوی، چینی، تایوان و ژاپنی است.

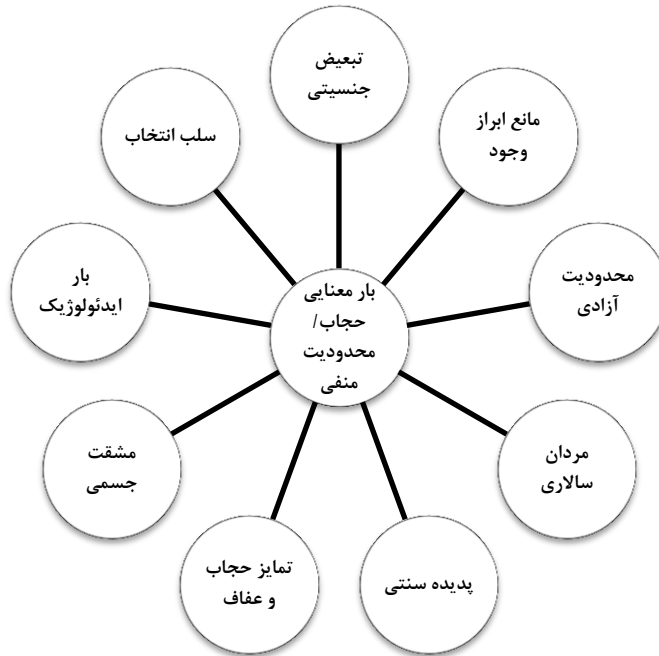
- بیشتر گردشگران، مردم ایران را مردمی مهمان نواز، به گفته خودشان (hospitable) ارزیابی می کنند. آنان باور دارند دیدگاهشان درباره ی مردم ایران و زنان ایرانی، پس از سفر به ایران بسیار عوض شده است.

- در تجربه زیسته بیشتر گردشگران حجاب زنان سخت گیرانه و به راستی گونه ای تبعیض جنسیتی است. بیشتر گردشگران به سویه ی اجباری بودن حجاب خرده گرفته و آن را سلب آزادی تلقی می کنند. گردشگران حجاب را بازدارنده ی ابراز وجود می دانند و بر این باورند که زن ها دوست دارند خود را نشان دهند. حجاب یک آموزه سنتی و کهنه است. سنت در نگره ی غربی بار معنایی منفی دارد. زن باید عقیف باشد، حجاب بایسته ی عفاف نیست. حجاب سخت گیری سنتی است. حجاب تحمیل نگره مردان بر زنان و برآیند اینکه نماد مردسالاری است. حجاب تنها یک آموزه ی مذهبی نیست؛ بلکه بار ایدئولوژیک دارد و منافع مردان و در مواردی سیاستمداران را تأمین می کند. حجاب دست و پاگیر و تحمل آن مشقت بار است.

- در پایان اینکه، هماره اروپایی ها و آمریکایی ها دیدگاه ناهمسویی نسبت به حجاب دارند و در تجربه زیسته آنها حجاب گونه ای «محدودیت منفی» برای زنان است.

- سیاست گذاری میان فرهنگی درباره ی گسترش حجاب باید معطوف به نگره های بالا بوده و درصدد دگرگونی نگاه منفی باشد.

- بر پایه ی دیده ها و مضامین مندرج در سخنان مصاحبه شونده گان در فضای نشانگاه می توان الگوی صفحه بعد را ترسیم کرد:



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، چاپ اول، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲. ابن طاووس، علی ابن موسی، (۱۴۰۰). الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، مصحح: علی عاشور، قم، چاپ اول، قم، خیام.
۳. اسمیت، فیلیپ، (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ی حسن پویان، چاپ دوم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۴. امامی سیگاردی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ نوری سعید، علی، (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، فصلنامه پرستاری و مامایی جامع‌نگر، سال ۲۲، شماره ۶۸.
۵. آیت‌اللهی، حمیدرضا، (۱۳۸۲). مقایسه‌ی روش تحلیل فلسفی استاد مطهری در اخلاق و روش پدیدارشناسی، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، صص ۱۱۷-۱۳۱.
۶. تیموتی، دالن. جی. آلسن، دانیل. اچ، (۱۳۹۲). گردشگری دین و سفرهای معنوی، ترجمه‌ی محمد قلی‌پور؛ احسان معجیدی‌فر، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۷. چاپلین، چارلز، (۱۳۸۹). زندگی چارلی چاپلین، ترجمه‌ی محسن مرنیدی و منصور تاراجی، چاپ هفتم، تهران، نگاه.
۸. حسینی، محبتی، (۱۳۸۹). احکام نگاه و پوشش، چاپ چهاردهم، قم، دفتر نشر معارف.
۹. خامنه‌ای حسینی، سیدعلی، (۱۳۹۶). علم اقتدار است، سایت رهبری، تاریخ مراجعه ۸ مهر ۱۴۰۰: <https://farsi.khamenei.ir/news-part-index?tid=115>
۱۰. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۶). صحیفه امام، جلد ۴، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۸۱). استفتائاتی از محضر امام خمینی علیه السلام، جلد ۳، چاپ اول، قم.
۱۲. دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷۸). توضیح‌المسائل مراجع: مطابق با فتوای دوازده نفر، گردآورنده بنی‌هاشمی خمینی، قم، چاپ چهارم.
۱۳. ربیعی، علی و فرناز احمدزاده نامور، (۱۳۸۷). نظریه‌ی بازنمایی رسانه‌ای و تحلیل افکار عمومی متقابل آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۱۴. رضایی، شهلا، (۱۳۹۷). قانون مجازات اسلامی بر اساس قانون مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، چاپ اول، تهران، قانون یار.
۱۵. شاردن، ژان، (۱۳۴۵). سیاحت‌نامه، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر.
۱۶. صفاوودی، سوسن، (۱۳۸۹). بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۸، تابستان.
۱۷. عابدی جعفری، حسن (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین، فصلنامه‌ی اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۵۱-۱۹۸.

۱۸. عابدینی، ناصر، (۱۳۸۷). بازنمایی زنان در رادیو ایران، ماهنامه‌ی مجله رادیو، سال هشتم، شماره ۴۴.
۱۹. عمید، حسن، (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی، چاپ هجدهم، تهران، موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
۲۰. غلامی، علی، (۱۳۹۱). مسئله‌ی حجاب، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۹۶). روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دهم.
۲۲. فلاح تفتی، فاطمه، (۱۳۹۶). پژوهشی فقهی - حقوقی در الزام حکومتی بر حجاب زنان جهانگرد، مجله‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی.
۲۳. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۹۸). هویت، ترجمه هانیه رجبی / مهدی موسوی، تهران، کتاب پارسه.
۲۴. فولادگر، علی‌رضا، (۱۳۸۳). واژه‌های قرآنی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارالتعلیم قرآن الکریم.
۲۵. کتاک، فیلیپ کنراد، (۱۳۸۶). انسان‌شناسی (کشف تفاوت‌های انسانی)، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
۲۶. کرسول، جان، (۱۳۹۴). پوشش کیفی و طرح پژوهش؛ انتخاب از میان پنج رویکرد، ترجمه‌ی حسن دانایی‌فرد، تهران، صفار.
۲۷. کهن، ابرام، (۱۳۸۲). گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه‌ی امیر فریدون گرگانی، تهران، دیبا.
۲۸. مارتین، هنری، انجیل عهد جدید، (۱۸۳۷). ترجمه‌ی هنری مارتین، ویرایش چهارم، لندن، بایبل سوسائیتی.
۲۹. مالکی بروجنی، نجمه، (۱۳۹۶). نسبت حجاب، حقوق بشر و شهروندی، دوفصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر اسلامی.
۳۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴). مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ هفتم.
۳۱. معصوم‌زاده، سارا و شیرافکن، مهدی، (۱۳۹۶). اثر شاخص‌های فرهنگی کشورهای خاورمیانه بر روند گردشگری، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، فصل پاییز.
۳۲. مهر، فرهنگ، (۱۳۸۴). دیدی نواز دینی کهن، تهران، دیبا.
۳۳. هاشمی مقدم، امیر، (۱۳۹۱). انسان‌شناسی گردشگری، ترجمه‌ی محمدرضا گوهری، چاپ اول، دریچه نو.
۳۴. طهماسبی، احمد، (۱۳۹۷). صدفی بر گوهر وجود، چاپ اول، قم، یاقوت.
۳۵. موسوی، رمضان، (۱۳۹۳). گردشگری و گردشگر در قرآن کریم، چاپ اول، ساری، مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت پیامبر اعظم.

36. Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.

37. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.